

صنایع خلاق؛ راهبردی همه جانبه برای کشورهای در حال پیشرفت

معصومه زورمند

شاید زمانی که گفت‌وگو در خصوص ظرفیت‌های اقتصادی برای پیشرفت شکل گرفت، طرفین گفت‌وگو و متولیان برای تحقق پیشرفت‌های مدنظر در هر جامعه، این تصور را نداشتند که روزی فرا می‌رسد تا صنایع خلاق یا همان صنایع فرهنگی به عنوان یکی از بازوهای جدی و اثرگذار برای این پیشرفت به شمار بیایند. صنایع فرهنگی که طبق تعریف آن در «سند ملی توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم» بعضاً با عنوان صنایع خلاق نیز شناخته می‌شود، به مثابه گونه‌ای از صنعت است که به خلق ایده، تولید، توزیع محصولات و خدماتی با ماهیت فرهنگی می‌پردازد.

در دنیای امروز نیز وقتی صحبت از صنایع خلاق و ظرفیت‌های آن می‌شود، این گزاره طرح می‌گردد که کشورهای پیشرفته به خوبی توانسته‌اند در حوزه صنایع فرهنگی و خلاق ورود کرده و نهایت استفاده را از این ظرفیت داشته باشند. اما کشورهای در حال پیشرفت، در به‌کارگیری ظرفیت‌های فرهنگی که قابلیت تبدیل به صنایع فرهنگی و در گام بعد صنایع خلاق را داراست، ناکام مانده‌اند. در واقع این کشورها علی‌رغم آن‌که بعضاً از ظرفیت‌های بالایی برای فعالیت در حوزه صنایع فرهنگی برخوردارند، اما همچنان به اکتشاف و استخراج معادن و منابع طبیعی خود برای افزایش صادرات مواد اولیه مشغول بوده و کشف و بهره‌برداری از منابع پایدار فرهنگی خود از طریق صنایع خلاق را از یاد برده‌اند. در همین راستا آن‌چه که در نوشتار پیش رو مورد بحث است، اشاره به ابعادی از ظرفیت بالقوه‌ی صنایع فرهنگی است که کشورها برای پیشرفت خود در اختیار دارند، و به دلایل مختلف توجه به این ظرفیت‌ها مغفول مانده است.

صنایع خلاق؛ میدان پیشرفت فرهنگی و اقتصادی

صنایع خلاق همان‌طور که از تعریف آن برمی‌آید، گونه‌ای از صنعت است که با استفاده از ابعاد گسترده‌ی فناوری‌های نو، از یک سو مستقیماً به فرهنگ و از سوی دیگر به اقتصاد وصل شده است. در واقع اگر روزی نظریه‌پردازان به تاثیر غیرمستقیم فرهنگ بر اقتصاد اذعان داشتند، امروزه در ادبیات صنایع خلاق به تاثیر مستقیم فرهنگ بر اقتصاد به عنوان یک اصل جدی توجه دارند. در همین راستا در فضای بین‌الملل و ادبیات جهانی، برای ارزیابی پیشرفت جوامع، مجموعه‌ای از شاخص‌های مشترک در نظر گرفته می‌شود. حال نکته قابل توجه آن است که صنایع خلاق به واسطه ریشه‌ی عمیق خود در فرهنگ و سنت یک جامعه، امکان پیشرفت اقتصادی و پیشرفت فرهنگی را به صورت توأمان فراهم می‌کند. در ادامه به تعدادی از مهم‌ترین اهداف مدنظر در جوامع درحال پیشرفت و چگونگی تحقق آن از طریق صنایع خلاق اشاره می‌گردد.

صنایع خلاق؛ ابزاری برای کاهش فقر و بی‌عدالتی

یکی از مهم‌ترین اهداف در پیشرفت یک جامعه کاهش فقر و بی‌عدالتی است. تمامی مظاهر یک فرهنگ نیز اعم از آداب و رسوم ملی و مذهبی، صنایع دستی، موسیقی، بوم‌گردی و هر آنچه که در دسته صنایع خلاق جای می‌گیرد، پیوندی عمیق با زندگی روزمره‌ی مردم برقرار می‌کند. به همین ترتیب هر راهبردی که فرهنگ را به عنوان ابزاری برای پیشرفت اقتصادی به کارگیرد، امکان توانمندسازی همه مردم فارغ از شأن اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌آورد. از طرفی یکی از رویکردهای جدی در صنایع خلاق رشد کسب‌وکارهای کوچک است. به عبارتی برخلاف رویکرد سنتی در پروژه‌های صنعتی که بر ایجاد بنگاه‌های صنعتی بزرگ و متوسط تمرکز دارد، صنایع خلاق عموماً بنگاه‌های کوچک و خانوادگی را نیز پوشش می‌دهد. بنابراین با این رویکرد امکان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در لایه‌های ضعیف‌تر اقتصاد فراهم شده و نقشی موثر در کاهش فقر و بی‌عدالتی خواهد داشت.

صنایع خلاق؛ ابزاری برای توانمندسازی زنان

از دیگر اهداف مهم کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت، تحقق عدالت جنسیتی و توانمندسازی زنان در عرصه‌های مختلف است. در همین راستا تولید کالاها و خدمات خلاق به واسطه حوزه‌های متنوع و گسترده‌ای که شامل شده و پیوند آن با حوزه فرهنگ که با روحیات زنان متناسب است، فرصت خوبی را برای آنان فراهم می‌آورد تا بتوانند در حوزه‌های متنوع کسب‌وکاری ورود کرده و برای پیشرفت اقتصادی و فرهنگی جامعه خود نقش ایفا کنند.

صنایع خلاق؛ راهبردی برای بهبود شرایط اجتماعی جوانان و کاهش مهاجرت

از دیگر شاخص‌های مهم پیشرفت که همواره به آن توجه ویژه‌ای می‌شود، شرایط اجتماعی جوانان و میزان مهاجرت آنان از روستاها به شهرهاست. در واقع از آنجا که نیروی جوان، از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی هر کشور به شمار می‌آید، توجه به حفظ و ارتقای آن حائز اهمیت است. در همین راستا به جهت آنکه صنایع خلاق با هنر و پتانسیل‌های فرهنگی- بومی در هر ناحیه جغرافیایی گره خورده است، این ظرفیت را ایجاد می‌کند که با پیوند میان جوانان و فعالیت در حوزه صنایع خلاق، علاوه بر آنکه هدف مهم هویت‌دهی محقق می‌شود، با ایجاد شغل و سرگرمی‌های خلاق در روستاها از مهاجرت جوانان به شهرها جلوگیری گردد. البته قابل توجه است که تحقق این امر نیازمند آن است که ظرفیت‌های بومی به تناسب جغرافیا به صورت جدی بررسی شده و در قالب برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت برای آن سرمایه‌گذاری لازم صورت گیرد.

اقتصاد خلاق؛ راهبردی چند بعدی با پیوندهای فناورانه و فرهنگی

در تکمیل نکاتی که اشاره شد، شکل (1) ابعاد اقتصاد خلاق به روایت آنکتاد (کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل) را بیان می‌کند. با توجه به این روایت، فعالیت اقتصادی در حوزه صنایع خلاق را به اختصار اقتصاد خلاق نیز می‌گویند. با واکاوی شکل زیر، به نظر می‌رسد تمامی ابعاد اقتصاد خلاق از جایگاهی ویژه برخوردار بوده و هریک نتایج قابل توجهی به همراه دارد. اگرچه هر یک از این ابعاد، حاوی نکات قابل بحث بسیاری است، اما در یک نگاه کلان می‌توان این ابعاد را چنین خلاصه نمود که صنایع خلاق به واسطه این ابعاد ذاتی و با به‌کارگیری پیوندهای فناورانه و فرهنگی، قادر است دانش سنتی را از گذشته و فناوری‌های روز را از دنیای کنونی جذب کرده و بر همه شئون زندگی روزمره مردم تاثیرگذار باشد. بنابراین به جهت ابعاد گسترده خود، مناسب‌ترین راهبرد برای جوامع در حال پیشرفت به حساب می‌آید.



شکل (1). «ابعاد اقتصاد خلاق»